



انتظار ۱: ضرورت طرح مباحث مهدویت

تألیف: روح الله شاکری زواردهی

ناشر: تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه

السلام، مرکز تخصصی مهدویت

چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۶

منبع: کتابخانه صدق

پیشگفتار

پیش از پرداختن به هر کاری، اگر ضرورت و بایستگی آن معلوم باشد، انسان برای انجام آن، انگیزه و نشاط لازم را پیدا می‌کند.

وقتی سخن از مباحث «مهدویت» به میان می‌آید، ممکن است سؤال شود: با وجود موضوعات بسیار و گوناگون که در جهان علم و دانش وجود دارد و نیازهای آدمی به دانش‌های مختلف و نیز محدودیت وقت و امکانات، چرا باید به مباحث مهدویت پرداخت؟

آیا مباحث مهدویت، مسائلی کاربردی است که در زندگی روزمره تأثیر گذار باشد یا صرفاً بحث‌هایی است که دانستن آنها بهتر از ندانستنش است؟ آیا کسانی که از مهدویت چیزی نمی‌دانند یا بسیار کم اطلاع‌اند، در زندگی و حیات دنیوی خود به بن‌بست گرفتار آمده‌اند؟ بنابراین ضرورت طرح معارف مهدویت باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

برای اثبات لزوم طرح این معارف، می‌توان از ابعاد مختلف به این بحث نگاه نمود و بایستگی آن را از ابعاد و زوایای گوناگون بررسی کرد.

فهرست مطالب

- یک. بعد اعتقادی..... ۱
- ۱ - ۱. شناخت امام راه معرفت خدا ۱
- ۱ - ۲. شناخت امام، شرایط اسلام واقعی ۲
- ۱ - ۳. شرط قبولی اعمال، پذیرش ولایت ۳
- ۱ - ۴. بایستگی شناخت ولی نعمت ۳
- ۱ - ۵. امامت، سفارش پیامبر اکرم «صلی الله علیه وآله» ۴
- دو. بعد اجتماعی ۵
- سه. بعد سیاسی ۷
- چهار. بعد تاریخی ۸
- پنج. بعد فرهنگی ۹
- ۵ - ۱. تعیین استراتژی انتظار ۹
- ۵ - ۲. آسیب شناسی و لزوم مقابله با آن ۱۰
- جمع بندی ۱۱
- پی نوشت ها ۱۱

یک. بعد اعتقادی

بی‌تردید «اعتقاد» بنیان اصلی زندگی انسان است و آنچه در میدان عمل محقق می‌شود، به ساختار اعتقادی مربوط است. اگر آدمی از اعتقادی صحیح و منطقی برخوردار باشد، در عمل گرفتار تناقض، بی‌هدفی و سردرگمی نخواهد شد و از همه فرصت‌های عمر خود، برای ساختن شخصیت انسانی و الهی‌اش بهره خواهد گرفت. البته این اعتقاد باید سازنده، حرکت آفرین و هویت بخش باشد و در همه فراز و نشیب‌های زندگی، مسیر درست و هموار را برای آدمی بگشاید.

در فرهنگ دینی - قرآن و روایات شیعه و سنی - بحث معرفت و شناخت امام و اعتقاد به او، از اهمیتی ویژه برخوردار است؛ به گونه‌ای که در ردیف اصول اعتقادی؛ یعنی، توحید، نبوت و معاد شمرده شده است. در اینجا اهمیت شناخت امام از نظر اعتقادی، در انگاره‌های مختلف بررسی می‌شود.

۱ - ۱. شناخت امام راه معرفت خدا

نخستین و مهم‌ترین وظیفه انسان، شناخت پروردگار و آفریننده خویش است و تا شناخت او حاصل نشود، راه درست بندگی و اطاعت از او به روی انسان باز نخواهد شد. (۱) به همین جهت در قرآن و روایات، مطالب فراوانی درباره لزوم «معرفت خدا» مطرح شده است.

بعضی از آیات قرآن، به توصیف خدا و صفات گوناگون او پرداخته است و امامان معصوم نیز در روایات و دعاها و خطبه‌ها، به شکل گسترده از خدا و اوصاف او سخن گفته‌اند. (۲)

از نظرگاه روایات راه معرفت خدا و اوصاف او، شناخت اولیای خدا و امامان معصوم «علیه السلام» است؛ چون اینان مظهر اسماء و صفات الهی و آینه جمال و جلال پروردگارند. معصومین انسان‌های کاملی‌اند. که خداوند

آنان را خلیفه و نماینده خود در زمین قرار داده و اراده کرده است که با آنان شناخته شود و از مسیر اطاعت آنها، اطاعت شود و ثواب و عقاب را نیز بر مدار اعتقاد و اطاعت آنان قرار داده است.

وقتی از امام حسین «علیه السلام» درباره معرفت خدا و چگونگی آن سؤال شد؛ حضرت فرمود: «مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامِهِمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ»؛ (۳) «مراد از شناخت خدا، شناخت اهل هر زمانی نسبت به امام خویشان است، آن امامی که اطاعت او بر آنان واجب است».

به عبارت روشن تر شناخت امام، طریق معرفت خدا است و انسان با شناخت امام و توجه به گفتار و دستورات او، می تواند در جاده صحیح زندگی گام بردارد و به سعادت می رسد. معرفت خدا بدون شناخت کسی که از جانب او سمت راهنمایی و راهبری بندگان را دارد، امکان پذیر نیست.

شیخ صدوق (رحمة الله) در تبیین حدیث یاد شده می گوید: مراد این است که مردم هر زمان بدانند، خداوند کسی است که آنها را در هر زمان از امام معصوم خالی نگذاشته است. پس کسی که عبادت کند خدایی را که برای آنان حجت قرار نداده، پس غیر خدا را عبادت کرده است. (۴)

۱-۲. شناخت امام، شرایط اسلام واقعی

شیعه و سنی به اتفاق از پیامبر اسلام نقل کرده اند:

«... وَ أَنَّ مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (۵) «و هر آینه هر کس بمیرد و حال آنکه امام زمان خود را نشناخته باشد، به مگر جاهلیت مرده است.»

بر این اساس شناخت امام شرط اسلام است و اگر کسی بی شناخت امام بمیرد، گویا از اسلام بی بهره بوده است؛ هر چند مناسک و اعمال اسلامی را انجام داده باشد. «امامت» شاهره بندگی خدا است و آن که در این صراط مستقیم قرار گرفته، کارها و اعمالش در مسیر درست، منطقی و عاقبت به خیری واقع شده است؛ و گرنه آن

اعمال ره به جایی نبرده و کمالی برای او نخواهد آورد. امامت ستون اصلی خیمه اسلام است که اعمال اسلامی وابسته به آن است.

۱-۳. شرط قبولی اعمال، پذیرش ولایت

مسأله «ولایت امامان» چنان جایگاهی دارد که در روایات گوناگون، پذیرش همه اعمال منوط به آن شده است: امام صادق «علیه السلام» پیشوای ششم شیعیان در این باره می‌فرماید:

«لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا»؛ (۶) «خداوند از بندگان عملی را نمی‌پذیرد، مگر به معرفت و شناخت ما».

براساس این روایات همه اعمال انسان، در ظرف معرفت و آگاهی او نسبت به امام زمان، ارزش می‌یابد.

۱-۴. بایستگی شناخت ولی نعمت

«امام» واسطه فیض الهی است و آنچه از نعمت‌ها به عالم وجود می‌رسد، به واسطه وجود او است و در این میان انسان‌ها نیز به واسطه وجود او، از انواع نعمت‌های الهی بهره‌مند می‌شوند. امام هم در «تشریح» واسطه است و هم در جنبه تکوین:

«بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض و السماء» (۷) «به برکت او به خلق روزی می‌رسد و به واسطه وجود او زمین و آسمان پا برجاست».

در فرمایش از امام هادی «علیه السلام» است که وقتی می‌خواهید امامی را زیارت کنید اینگونه بگویید:

«...بکم فتح الله و بکم یختم و بکم ینزل الغیث و بکم یمسک السماء أن تقع علی الارض إلا بإذنه»؛ (۸)

«به واسطه شما خدا آغاز کرد و به شما پایان می‌دهد و به وسیله شما باران را فرو می‌فرستد و به واسطه شما نگه می‌دارد آسمان را که بر زمین نیفتد، جز به اذن او».

پیامبر «صلی الله علیه وآله» می‌فرماید: «یا علی! لولا نحن ما خلق الله آدم و لا حواء و لا الجنة و لا النار و لا السماء و لا الارض»؛ (۹) «ای علی! اگر ما نبودیم، خدا نه آدم و نه حوا را می‌آفرید و نه بهشت و نه جهنم را و نه آسمان و نه زمین را». آیا این خلاف ادب نیست که ما درباره بسیاری از امور - که تأثیر چندانی در زندگی ما ندارد - آگاهی و اطلاع داشته باشیم؛ ولی از ولی نعمت خود بی‌خبر باشیم؟!!

۱-۵. امامت، سفارش پیامبر اکرم «صلی الله علیه وآله»

در روایتی از شیعه و سنی آمده است که رسول گرامی اسلام «صلی الله علیه وآله» فرمودند: «إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي أهل بيتي ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا بعدى أبدا...» (۱۰)

برابر این فرمایش مسلمین مأمور شده‌اند همانگونه که به قرآن متمسک می‌شوند، به خاندان پیامبر «صلی الله علیه وآله» و ائمه هدی علیهم‌السلام نیز تمسک جویند تا در مسیر هدایت قرار گیرند. و این ضامن سعادت ابدی آنان است. روشن است که تمسک به قرآن، بدون فهمیدن محتوای آن معنا ندارد و نیز تمسک به امامان معصوم «علیه السلام» بدون معرفت و آگاهی به جایگاه رفیع و ویژگی‌های منحصر به فرد آنان - که الگوی بشریت‌اند - ممکن نیست. بنابراین از این جهت نیز معرفت و آگاهی به امام زمان (عج) لازم است.

کوتاه سخن اینکه شناخت امام و حجت الهی. چنان مهم است که در روایات فراوان بر آن تأکید و به مسلمین سفارش شده است در این مسیر از خدای بزرگ استمداد کنند و پیوسته از او بخواهند که راه معرفت حجت‌های الهی بر آنان گشوده شود. از امام صادق «علیه السلام» نقل است که بهترین دعا برای دوران غیبت آخرین حجت الهی چنین است:

«اللهم عرّفني نفسك فإنك إن لم تُعرّفني نفسك لم أعرف نبيك. اللهم عرّفني رسولك فإنك إن لم تُعرّفني رسولك لم أعرف حجّتك اللهم عرّفني حجّتك فإنك إن لم تُعرّفني حجّتك ضللت عن ديني.» (۱۱)

دو. بعد اجتماعی

بشر از روزی که روی زمین قرار گرفت، پیوسته در آرزوی یک زندگی اجتماعی سعادت بخش بوده و به امید رسیدن چنین روزی قدم برداشته است. اگر این خواسته تحقق خارجی نداشت، هرگز چنین آرزو و امید در نهاد وی نقش نمی‌بست؛ همان‌طور که اگر غذایی نبود، گرسنگی نبود و اگر آبی نبود، تشنگی نبود... «مهدویت»؛ یعنی، امیدواری به آینده‌ای روشن، پیام‌رهایی بخش به بشر سرخورده و ستم‌دیده و اینکه روزی یک مرد الهی خواهد آمد و آنچه مردم بدان امید دارند، یقیناً برآورده خواهد کرد.

اعتقاد به وجود مصلح جهانی - یا «فوتوریسم» (۱۲) - همیشه ما را در عرصه‌های مختلف مبارزات اجتماعی حمایت خواهد کرد، زیرا اگر واقعاً معتقد به امام زمان «علیه السلام» باشیم، خواهیم دید که همواره یک پشتیبان نیرومندی ما را در کارهای اجتماعی، یاری می‌کند. بدون تردید نتیجه اعتقاد به امام زمان «علیه السلام» این نیست که ما از تمامی کوشش‌های اجتماعی دست برداریم و در گوشه‌ای نشستیم و انجام همه کارها را به ظهور امام زمان «علیه السلام» حواله کنیم! اصولاً حضرت ولی عصر «علیه السلام» از چنین افراد عاطل و باطلی که صبح می‌کنند و به امور مسلمین اهتمام نمی‌ورزند، بیزار است.

و یک فرد مسلمان معتقد، همواره در کوشش و فعالیت است و برای خدا کار می‌کند و به زندگی (فردی و اجتماعی خود) خوشبین و امیدوار است و همیشه منتظر تعمیم عدالت و امنیت، بسط عدل و داد، آزادی و برادری و برابری و توسعه گزاره‌های دینی بر اساس توحید بوده و برای آنها تلاش می‌کند. (۱۳)

شخص مسلمان، باور قطعی دارد که تنها نظام اجتماعی عادلانه - که به تمام خواست‌های مشروع بشری پاسخ داده و منصفانه‌ترین قوانین را برای انسان‌ها آماده کرده است - نظام حکومتی اسلام و قانون الهی قرآن است و زیباترین آن در عصر ظهور حضرت ولی عصر «علیه السلام» تحقق خواهد یافت و این، یعنی امید، نشاط و زندگی.

ماربین فیسلوف و مستشرق آلمانی در کتاب خود درباره فوتوریسم شیعه می‌گوید: «از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهم که همیشه (می‌تواند) موجب امیدواری و رستگاری (باشد) همانا اعتقاد به وجود حجّت عصر و انتظار او است. چون معتقدات مذهبی از ملل شرق زمین تا دو قرن دیگر، کاملاً اثرات خود را خواهد بخشید و می‌توان گفت که در این مدت و با این همه جمعیت و اسباب طبیعی، شیعه پیشرفت محیرالعقولی نموده و از حیث عده و نیرو و قدرت، مقام اول را حائز خواهد شد. و حتی اگر آثار معتقدات مذهبی از بین برود، شیعه دارای آن سرمایه‌ای خواهد بود که ماورای قوای طبیعی و عارضیه، شوکت و اقتدار و قوت و حکومت خود را در عالم نگه دارد». (۱۴)

بنابراین اعتقاد به وجود مقدس مهدی موعود - ارواحنا فداه - امید را در دل‌ها زنده می‌کند. هیچ وقت انسانی که معتقد به این اصل است، ناامید نمی‌شود؛ چون می‌داند یک پایان روشن حتمی وجود دارد... و سعی می‌کند که خودش را به آن برساند. (۱۵) و از حرکت نمی‌ایستد و در برابر ناملايمات و سختی‌ها تن به شکست نمی‌دهد. این بزرگ‌ترین ره آرود اجتماعی برای بشر در پرتو اعتقاد به «مهدویت» است.

شناخت و اعتقاد به امام زمان «علیه السلام» مانع از همکاری شخص معتقد، با ستمگران و ظالمان می‌شود و در برابر حکومت‌های فاسد تا حد توان پایداری می‌کند؛ چون او منتظر امامی است که هرگز با ظلم و ستم سازش نکرده؛ بلکه برای عدالت‌گستری قیام خواهد کرد.

همچنین آن که منتظر مصلح است، در اصلاح خود می‌کوشد تا برای جامعه ایمانی عنصری مفید، مؤثر و کار آمد باشد؛ بلکه برای اصلاح دیگران هم تلاش می‌کند. به این شکل اجتماع به سوی خوبی‌ها و ارزش‌ها پیش می‌رود. «اجتماع منتظر» جامعه‌ای هدف دار و ارزشی است و این از برکات شناخت عمیق نسبت به امام زمان است.

سه. بعد سیاسی

مردم پیوسته شاهد شکست مکتب‌ها و حکومت‌های مختلف در صحنه جهانی هستند که بسیاری از آنها از روی فریب و نیرنگ شکل گرفته‌اند. سالیان دراز دو ایده غالب - کاپیتالیسم نماینده اندیشه لیبرال دموکراسی غرب و کمونیسم نماینده مدعی دفاع از حقوق کارگر بر اساس اصول دیالکتیک - همچون دو درنده‌ای با سلاح‌های اتمی و... جهان معاصر را تهدید کردند. این تهدیدها آشکارترین دلیل بر عجز و درماندگی برنامه‌ها و ایده‌های این دو مکتب بوده است. این دو تفکر اگر چه سالیان متمادی بر افکار و اندیشه سیاسی جوامع بشری تأثیر گذاشته بودند؛ ولی به مرور زمان، یکی از آنها، ناکارآمدی خود را نشان داد و به زباله‌دان تاریخ پیوست.

قدرت دوم که در مقابل کمونیسم قرار داشت، سرمست از غرور بی‌رقیب بودن، با نشان دادن چنگال‌های خود به جهان معاصر، خود را تنها ایدئولوژی شایسته برای رهبری، بر نظم نوین جهانی می‌داند و سعی دارد به هر شکل ممکن، هر ندای مخالفی را در سینه‌ها خفه می‌کند.

اما این خیالی بیش نیست؛ زیرا می‌توان چالش‌های لیبرال - دموکراسی را در جهان به راحتی مشاهده کرد. این مکتب نه تنها بشر را به ساحل نجات نرسانده؛ بلکه او را در گردابی از بحران‌های معرفتی، اخلاقی، روانی، تکنولوژی و... گرفتار کرده است که همه اینها نشان از شکست حتمی و نزدیک این امپراتوری بزرگ دارد.

حال تکلیف این بشر وامانده و سرگشته از ناکامی‌ها و شعارهای بی‌عمل و نظاره‌گر شکست‌ها و سراب‌ها چیست؟

بشر امروزی با تجربه گذشته، عطش یک طرح و نگاه جدید به جهان هستی دارد و چیزی نمی‌تواند آن را سیراب کند، مگر طرح «مدینه فاضله مهدوی». نظریه «مهدویت»، یک نظریه جهانی است نه منطقه‌ای و این اندیشه نوین برای جهان و اداره آن برنامه و طرح بنیادین و کارساز دارد.

دنیا نیز تشنه چنین طرحی است؛ از این رو معتقدیم تنها برنامه‌ای که می‌تواند پاسخ‌گوی بشر معاصر باشد، اندیشه مهدوی است. چون مهدویت در عرصه حکومتی دارای اهدافی بلند، متعالی و ارزشی است.

روشن است که اهداف حکومت امام زمان «علیه السلام»، می‌تواند به عنوان اهداف راه‌بردی و کلان حکومت دینی مطرح شود. کسانی که در این عصر ادعای حکومت دینی دارند، باید همه مسائل حکومتی‌شان را به آرمان‌های امام زمان «علیه السلام» نزدیک کنند و سیره آن حضرت را در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، قضایی... در برنامه‌های کلان خود مورد نظر قرار دهند.

اگر مهدویت به خوبی تبیین شود، حرکت‌های اصلاحی در سراسر جهان به بهترین شکل روح و حیات می‌گیرد؛ چنان که انقلاب اسلامی ایران به عنوان زمینه و بستر مناسب، برای انقلاب بزرگ مهدی «علیه السلام» شکل گرفت.

چهار. بعد تاریخی

«مهدویت» در راستای مسئله امامت و در امتداد نبوت و خاتمیت است؛ از این رو در مرحله‌ای حساس از تاریخ آغاز شده و تا امروز ادامه یافته است و تا آخرین لحظه حیات دنیوی بشر نیز باقی خواهد بود. بنابراین چگونگی «امامت» از امام علی «علیه السلام» تا ولی عصر «علیه السلام» و عکس العمل مسلمانان درباره امامت (به طور عام) و مهدویت (به طور خاص) و نیز حوادث تاریخی در این زمینه، می‌تواند از موضوعات مهم و حساس تاریخ اسلام به شمار آید.

مسئله مهدویت در طول تاریخ مطرح بوده است، روایات شیعه و سنی مملو از بشارات پیامبر گرامی به آمدن حضرت مهدی (عج) بوده است. (۱۶)

موعود باوری اسلامی یا «مهدویت» نقش مؤثری در ایجاد جریانات دینی - سیاسی در تاریخ اسلام ایفا کرده است. پنج یا شش (۱۷) نهضت متکی به اندیشه «مهدویت» را - که به توفیقاتی در صحنه سیاسی و اجتماعی

دست یافته‌اند - می‌توان از این میان بر شمرد. این چند جریان توانسته‌اند با اتکاء به گستردگی اعتقاد به آمدن «مهدی» به عنوان درهم کوبندهٔ بساط ظالمان و ریاکاران حاکم، توده‌ها را همراه خود کنند و به مقاصد سیاسی خود دست یابند.

پیدایی و رشد این جریان‌ها - در طول تاریخ اسلام - صرف نظر از راستی یا کژی آنها - بیانگر اصالت و ریشه‌داری اندیشه مهدویت در نزد مسلمانان است.

پنج. بعد فرهنگی

در این قسمت وظیفه مسلمانان برای زمینه سازی و گسترش فرهنگ مهدویت و جلوگیری از انحراف... بیان می‌شود و کار فرهنگی در عرصه مهدویت در چند محور ترسیم می‌گردد:

۵ - ۱. تعیین استراتژی انتظار

- «استراتژی»؛ یعنی، «هنر توزیع و به کارگیری همه افراد و امکانات موجود برای نیل به هدفی کلان».
- این تعریف مسائل گوناگونی را در برمی‌گیرد؛ از ساده‌ترین مسائل امنیتی گرفته تا تحقق یک امپراطوری و حکومت یکپارچه جهانی. در طراحی استراتژی کلان برای مهدویت، باید به سه نکته مهم توجه کرد:
۱. نظر به «آینده» از جایگاهی مهم برخوردار است؛ زیرا مقصد همه را در نحوهٔ بودن و زیستن در هیئت فردی و جمعی معلوم می‌سازد. بسیاری از نابه‌سامانی‌ها و آشفتگی‌های ملت‌ها، ناشی از گنگ و مبهم بودن همین موضوع است. وقتی آینده و مقصد نامعلوم باشد، بسیج و سازماندهی هیچ نیرویی امکان پذیر نیست.
 ۲. تعیین «نقطه مطلوب و مفروض» در دوردست که اولین گام واقعی در تدوین استراتژی است.

۳. هرگونه طرح و برنامه «منفعلا نه» در تدوین استراتژی، ممنوع است. باید در تدوین «استراتژی انتظار» فعال برخورد کرد؛ فعال بودن برنامه‌ها و طرح‌ها با مبانی اعتقادی ما در مهدویت سازگاری دارد و به هیچ وجه با طرح‌های منفعلا نه و غیرفعال نمی‌سازد.

پس برای رسیدن به چنین استراتژی لازم است، سه اصل را همیشه مد نظر داشت:

الف. شناسایی وضع موجود انسان معاصر،

ب. ترسیم وضع مطلوب،

ج. ترسیم نحوه سیر از وضع موجود به وضع مطلوب (آینده نگری) (۱۸)

۵-۲. آسیب شناسی و لزوم مقابله با آن

اعتقاد به «مهدویت» پیامدهای مثبتی برای بشر دارد؛ زیرا ایمان به امام زمان «علیه السلام» مانع از تسلیم شدن است. ملت‌های با ایمان که حضور آن حضرت را در میان خود احساس می‌کنند، از حضورش امید و نشاط می‌گیرند و برای مجد و عظمت اسلام، مبارزه و مجاهدت می‌کنند.

حال کسانی که منافع‌شان به خطر می‌افتد چه می‌کنند؟ آیا ساکت می‌نشینند تا همه بافته‌های آنان به راحتی رشته شود؟ قطعاً چنین نخواهند کرد؛ بلکه با روش‌های مختلف، به مبارزه با افکار و اندیشه‌های موعودگرایی و مهدویت می‌پردازد. (۱۹)

بنابراین با شناخت دشمن و آسیب‌شناسی به موقع، می‌توان دشمن را در اجرای طرح‌ها و برنامه‌های ناکام گذاشت. البته مهدویت از زوایا، و ابعاد دیگر نیز قابل بررسی است که به آنها پرداخته نشد.

جمع بندی

هریک از ابعاد «مهدویت» در علوم مختلف مورد بحث قرار می‌گیرد: بعد اعتقادی آن در علم کلام، بعد سیاسی آن در علومى مانند فلسفه سیاست و جامعه‌شناختی و بعد تاریخی آن در مسائل تاریخ اسلام مورد بحث قرار می‌گیرد.

ابعاد سیاسی، اجتماعی و تاریخی مهدویت اختصاص به علمای اسلام ندارد و مبتنی بر داشتن باور اسلامی نیست؛ ولی بحث اعتقادی درباره آن، مبتنی بر ایمان اسلامی، و مخصوص متکلمان اسلامی است. البته اگر کسی کلام اسلامی را از جنبه تاریخی مطالعه کند، در این صورت بحثی پیرامون دینی خواهد بود. (۲۰)

پی نوشت ها

- (۱). ر.ک: شیخ کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۴۷، ح ۳۴۷.
- (۲). برای بررسی اوصاف الهی در قرآن ر.ک: فهرست موضوعی «تفسیر نمونه» برای نگاه به روایات ر.ک: «میزان الحکمه» ذیل کلمه «الله».
- (۳). شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۹، ح ۱.
- (۴). همان
- (۵). شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۹، و قریب به این مضمون. ر.ک: صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۳؛ صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲۱ و ۲۲؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۱۵۵؛ مسند ابی داود، ص ۲۵۹؛ حلیه الاولیاء ج ۳، ص ۲۴۴؛ مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۷۷؛ ینابیع الموده، ص ۱۱۷.

- (۶). کافی، ج ۱، باب نوادر، ص ۱۴۳، ح ۴.
- (۷). مفاتیح الجنان، دعای عدیله.
- (۸). شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۵، ح ۳۲۱۳.
- (۹). علل الشرایع، ج ۱، ص ۵، ح ۱؛ کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۴.
- (۱۰). ر.ک: کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۲۷۹؛ عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام»، ج ۲، ص ۶۲، امالی طوسی، ص ۱۶۱ و....
- (۱۱). کافی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۵.
- (۱۲). «Futurism» یعنی اعتقاد به دوره آخر الزمان و انتظار ظهور منجی و مصلح جهانی بزرگ. برای بیشتر ر.ک: سیدهادی خسروشاهی، مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت، ص ۵۵.
- (۱۳). سید هادی خسرو شاهی، مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت، ص ۷۶.
- (۱۴). سید هادی خسروشاهی، مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت، ص ۷۷ به نقل از رولیسون بزرگ یا سیاست الحسینی، فصل ۷، ص ۴۹ و ۵۰ تحت عنوان: فلسفه مذهب شیعه.
- (۱۵). مقام معظم رهبری، (رسالت ۲۶ / ۹ / ۷۶).
- (۱۶). ر.ک: سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۴۲۸۵؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۶، ح ۴۰۸۳ و...
- (۱۷). مثل، فاطمیان، موحدان، مهدی سودانی،...
- (۱۸). استراتژی انتظار، اسماعیل شفیعی سروستانی، ج ۱ و ۲.
- (۱۹). فصلنامه انتظار، ش ۵، ص ۲۷۶ - ۲۷۱.
- (۲۰). ربانی گلپایگانی، علی؛ عقاید استدلالی، ج ۲، ص ۹۸.